

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۲۴۷-۲۸۹ (مقاله پژوهشی)

براعت استهلال در خطبه‌های امام حسن مجتبی (ع)

ریحانه ملازاده^۱، نفیسه فیاض‌بخش^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۲۱)

چکیده

این پژوهش درنگی بر یافت افتتاحیه‌های خطبه‌های موجود و قابل دسترس امام حسن (ع) است، تا ضمن تحلیل عناصر گفتار، چگونگی تأثیر متکلم از طریق کاربرد اسلوب براعت استهلال بر مخاطب روشن شود. بدین منظور این جستار ابتدا به تعریف آرایه براعت استهلال و مفهوم آن در ادبیات پرداخته و سپس با تحلیل سبک و ساختار آغازین خطب موجود، تلاش نموده تا به توصیف آرایه براعت استهلال بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خطبه‌ها علی‌رغم کوتاهی و بلندی که متناسب با شرایط مخاطب ایراد شده است برخوردار از اسلوب‌های متنوع تأکید، ندا، شرط می‌باشند. این تنوع در کلام به منظور تحریک احساسات و بیدارسازی فطرت خفته مردم انجام گرفته است.

کلید واژه‌ها: براعت استهلال، بلاغت، حسن بن علی (ع)، سبک و ساختار خطبه

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء (س)، (نویسنده مسؤل)؛ r.mollazadeh@alzahra.ac.ir

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، nafisefayazbakhsh@yahoo.com

۱- بیان مسأله

خطبه و فن سخنوری از دیرباز مورد توجه و اهتمام عرب بود. این فن که در دوره جاهلی برای مفاخره و منافره به کار می‌رفت در دوره اسلامی و پس از آن، تغییراتی متناسب با عصر جدید به خود گرفت. با ظهور اسلام در بیشتر موارد خطب با حمد و ثنای الهی شروع می‌شد و خطیب پس از (أما بعد) به موضوع اصلی پرداخت و سپس با عبارتی که حسن ختام نام دارد کلامش پایان می‌پذیرفت. استهلال در خطب عربی غالباً با اقتباس از قرآن کریم، سنت نبوی و شعر و نثر عربی همراه بوده است. خطبه بر ایجاز، وضوح، فصاحت، انسجام، آرایه‌های ادبی در حد اعتدال و به دور از تکلف و تصنع بنا می‌شود.

در جستار حاضر سبک و ساختار آغازین خطب امام حسن مجتبی(ع) با تکیه بر اسلوب براعت استهلال مورد واکاوی قرار گرفته است. لازم به ذکر است خطبه‌های امام حسن(ع) به شکل پراکنده در کتب مختلف تاریخی نقل شده، که می‌توان آن را یکی از دشواری‌های این تحقیق برشمرد. در منابع عربی کتابی با عنوان «الروائع المختارة فی خطب الإمام الحسن(ع)» به دست آمد که با تکیه بر منابع اهل تسنن و تشیع گردآوری شده، و در فارسی نیز ترجمه کتاب «موسوعة کلمات الإمام الحسن(ع)» توسط پژوهشکده باقرالعلوم(ع) با سبک و سیاق کتاب مذکور منتشر شده است. لذا نویسندگان ابتدا به استخراج خطب از کتب معتبر پرداخته‌اند و پس از ذکر سند یا منبع هر خطبه، براعت استهلال آن را بیان کرده‌اند. در این راستا تعداد ۳۳ خطبه از خطبه‌های امام حسن(ع) از کتب مختلف بدست آمد. از این میان، ۸ خطبه، با حمد و ثنای خداوند متعال شروع شده و با عبارت «أما بعد» به اصل موضوع پرداخته شده است. خطبه‌هایی که تنها با عبارت «أما بعد» شروع شده‌اند و فاقد بخش اول، یعنی بدون حمد و ثنای الهی‌اند، حدود ۱۰ خطبه است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که امام حسن مجتبی(ع) خطبه‌های خود را با چه سبکی آغاز فرموده، و براعت استهلال در خطبه‌ها چه تأثیری بر مخاطب داشته است؟

۲- مقدمه

پس از امیرمؤمنان (ع)، امام حسن مجتبی (ع) دومین شخصیتی است که در کتب تاریخی بیشترین خطابه از ایشان به ثبت رسیده است. خطابه‌هایی که با اندک تأملی در محتوا و صورت ادبی آن به وضوح می‌توان به شرایط سخت و حساس دوران آن امام همام پی برد. از دیدگاه عالمان منطق نیز خطابه یکی از صناعات خمس است که در برابر جمع و به قصد برانگیختگی احساسات و عقول مردم ایراد می‌شود. (خوانساری، ۲۳۳) بنابراین می‌توان گفت خطابه فنی ادبی است که بر پایه عقیده بنا شده و با هدف تأثیر بر مخاطب، به بررسی فکری و عاطفی موضوع می‌پردازد. علاوه بر عنصر عاطفه که جزء جدایی ناپذیر خطبه است، دیگر ابزار هنری از قبیل آهنگ و تصویر نیز در ترسیم این وضعیت عاطفی نقش خواهند داشت. (بستانی، ۲۴۵-۲۴۶) عنصر عاطفه نیز در خطبه به اقتضای موقعیت روانی مخاطب، دچار فراز و نشیب شده گاهی فروکش می‌کند. (همانجا، ۲۵۲) از آنجا که کلام بلیغ متناسب با حال مخاطب، کوتاه، متوسط و بلند ادا می‌شود (عبدالغنی، ۲۱) طول خطبه‌های امام حسن (ع) نیز متناسب با حال مخاطب و شرایط زمانی مختلف است. در منطق نیز خطابه از اهمیت خاصی برخوردار است. خواجه نصیرالدین طوسی در این خصوص می‌گوید: «هیچ صنعتی از صناعات خمس در افاده تصدیق اقناعی به درجه خطابه نمی‌رسد، زیرا عقول عامه از ادراک قیاسات برهانی قاصر است، بلکه از جدل هم. چون جدل هم در تعلق به کلیات جاری مجرای برهان است. پس صنعتی که متکفل افادت اقناع بود در اذهان جمهور، جز خطابت نبود.» (نصیرالدین طوسی، ۵۳۱)

۳- براعت استهلال یا خوش آغازی

در فارسی حسن مطلع (البدیع، ۳۲)، حسن ابتدا یا خوش مطلع نام دارد. حسن مطلع آن است که آغاز قصیده، غزل، مقدمه، پیش درآمد مقاله، خطابه و سخنرانی را چندان شیوا، مطلوب و دلپسند بیاورند که شنونده را برای شنیدن باقی سخن نظم یا نثر تشویق کند و در طبع و حال او رغبت و نشاط گوش سپردن به گفتار گوینده را برافزاید. (همایی، ۲۰۰)

براعت استهلال که از قدیم مورد توجه شاعران و ادیبان عرب قرار داشته، برای جلب توجه مخاطب و تشویق وی به دنبال کردن شعر یا خطبه بکار می‌رفته است. در شعر جاهلی، سنت کهن و قوف بر اطلال، نوعی براعت استهلال بحساب می‌آید. در بلاغت قدیم عربی، براعت استهلال جزو آرایه‌های بدیعی است که با اصطلاح حسن ابتدا از آن یاد می‌شده، و تعریفی مشابه با ادبیات فارسی دارد، بدین معنا که در مطلع قصیده یا اول کلام با آرایه‌ای زیبا، نکته‌ای نغز یا بدیع، به موضوع قصیده یا خطبه بطور غیرمستقیم اشاره می‌شده تا انگیزه گوش سپاری به گوینده مضاعف شود. این صنعت براعت استهلال یا حسن ابتدا نام دارد. (طیّانه، ۸۵ و ۱۹۷)

۳-۱. اهمیت صنعت براعت استهلال

در براعت استهلال متکلم برای جلب توجه مخاطب، با بکارگیری شگردهای متعدد ادبی نظیر استفاده از سبک توصیفی و فنون مختلف لفظی و معنوی در ابتدای متن، مخاطب را در جریان اطلاعاتی مرتبط با موضوع و نه از خود موضوع قرار می‌دهد. یعنی با یک شروع خوب و جذاب، مخاطب با گوینده همراه شده و به شنیدن متن تشویق می‌شود. شروع دلنشین، پرمعنا، راهگشا، بدون تکلف، اثرگذار، مرتبط با هدف نویسنده یا گوینده، نشان از تفکر و اندیشه پویای صاحب سخن دارد.

ابوهلال عسکری، صنعت حسن ابتدا را یکی از دلایل وضوح کلام دانسته و کاتبان را به رعایت آن سفارش کرده است: «أحسنوا معاشر الكتاب الابتدءات فإنها من دلائل البيان». (همو، ۴۸۹)

عناصر ثابت استهلال عبارتند از: تحمید یا همان حمد الهی، ثنا و ستایش خداوند، شهادت به وحدانیت او، شهادت به رسالت پیامبر(ص). (الخرافی، ۷)

۴- ویژگی‌های ادبی خطبه‌های امام حسن(ع)

حمد و ثنای الهی در خطب امام حسن مجتبی(ع)، تأسی به سیره امیر مؤمنان(ع) و

رسول خدا(ص) در مطلع کلام است که با هدف تبلیغ آموزه‌های دینی صورت می‌گرفته است. عبارت «اما بعد» نیز به بخش زبانی بر می‌گردد. گویا خطیب با این عبارت، ایجاد مکث میان حمد و موضوع اصلی انداخته تا بدین وسیله مخاطب فرصت یافته و ذهنش برای شنیدن و اندیشه در موضوع اصلی آماده گردد. این شیوه از دوره جاهلیت تا عصر اموی معمول بوده، هر چند که در این عصر سبّ حضرت علی(ع) نیز به فرمان معاویه به عنوان عنصر اصلی در مطلع کلام در منابر عمومی اضافه گردید. تنها خطبه‌هایی که موضوع آنها مربوط به مواضع مهم امت عربی بوده، مستقیماً با عبارت «اما بعد» و بدون حمد الهی شروع شده و به اصل موضوع پرداخته است. به عنوان مثال خطبه دوم بدون بخش اول شروع شده و از دو سطر فراتر نیست، بلندی یا کوتاهی خطب دلایل متعددی دارد که از جمله می‌توان به بحران سیاسی اجتماعی و دینی آن دوره اشاره کرد. و یا در خطبه‌ای که ایشان به مناسبت شهادت پدر ایراد فرموده حزن عمیق و گریه شدید ناشی از قدر ناشناسی امت و جفا در حق ایشان، بر امام(ع) عارض شد و لذا سخن بیش از این ادامه نیافت. اکنون به بررسی ادبی افتتاحیات خطب می‌پردازیم.

۱-۴. افتتاح به حمد و ثنای الهی

یکی از طولانی‌ترین خطبه‌های امام حسن(ع) خطبه‌ای است که قبل از صلح با معاویه ایراد فرمود. این خطبه به نقل از امام سجاد(ع) چنین روایت شده است: هنگامی که امام تصمیم به صلح گرفت با معاویه دیدار کرد. معاویه بالای منبر رفت و دستور داد امام یک پله پایین‌تر بایستد. آنگاه معاویه گفت: ای مردم، این حسن پسر علی و فاطمه است. ما را شایسته خلافت دانسته و خود را سزاوار آن نمی‌داند و آمده است تا با اختیار صلح کند. آنگاه گفت: ای حسن بایست. و امام برخاست و خطبه را با حمد و ثنای الهی شروع کرد:

الحمد لله المستحمد بالآلاء، وتتابع النعماء، وصارف الشدائد والبلاء، عند الفهماء وغير الفهماء، المذعنین من عباده لامتناعه بجلاله وکبریائه، وعلوه عن لحوق الأوهام ببقائه،

المرتفع عن كنه ظنانه المخلوقين، من أن تحيط بمكنون غيبه روایات عقول الرائين، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده في ربوبيته، و وجوده و وحدانيته، صمدا لا شريك له، فردا لا ظهير له، و أشهد أن محمدا عبده و رسوله، اصطفاه و انتجبه و ارتضاه، و بعثه داعيا إلى الحق، و سراجا منيرا، و للعباد مما يخافون نذيرا، و لما يأملون بشيرا، فنصح للأمة، و صدع بالرسالة، و أبان لهم درجات العمالة، شهادة عليها أموت و أحشر، و بها في الآجلة أقرب و أحبر. (مجلسی، ۱۳۹/۱۰)

ترجمه - سپاس خدای را سزااست که به سبب نعمت‌ها و پیاپی بودن آن‌ها و برطرف ساختن شدائد و بلاها نزد دانایان و غیر آن‌ها شایسته حمد و ستایش است، بندگانی که به وجودش اعتراف دارند، به سبب آن‌که به خاطر جلالت و بزرگی از توهم به دور مانده، و از آن‌که اوهام به او راه یابد، برتر می‌باشد و از آن‌که در افکار مخلوقاتش قرار گیرد و عقول اندیشمندان او را احاطه نماید اوج گرفته است. و گواهی می‌دهم که معبودی جز او نمی‌باشد، در پروردگاری و وجود و یگانگی‌اش یکتاست، بی‌نیاز بوده و شریکی ندارد، یکتایی است که پشتیبان ندارد. و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، او را برگزید و انتخاب کرد، از او خشنود شد و او را برانگیخت تا به سوی حق دعوت کند و چراغی فروزان است و از آن‌چه بندگان می‌ترسند بیم دهنده و به آن‌چه بدان امید دارند بشارت دهنده است، پس برای امت پند داد و رسالتش را به انجام رسانید، و درجات عمل را به ایشان نمایاند، شهادتی که بر آن عقیده مرده و محشور شوم و با آن در روز قیامت نزدیک شده و مسرور گردم.

همانطور که ملاحظه می‌شود در ابتدای خطبه برخورد معاویه با امام حسن(ع) برخوردی توهین‌آمیز است، آنجا که از امام می‌خواهد یک پله پایتتر بایستد، و خصوصا وقتی می‌گوید: «هذا الحسن بن علی و ابن فاطمة، رآنا للخلافة أهلاً و لم یر نفسه لها أهلاً و قد أتانا لیبایع طوعاً»، معاویه تلاش می‌کند چهره خوبی از خود نشان دهد: اما با خطبه امام نقشه‌اش نافرجام می‌ماند. این خطبه به چهار فراز تقسیم می‌شود: ستایش پروردگار،

رسالت پیامبر(ص) و ذکر فضایلش، ذکر فضایل اهل بیت(ع) و به ویژه حضرت علی(ع) و منزلت او نزد پیامبر(ص)، تصریح به شایستگی خود و برادرشان امام حسین(ع) و بیان پذیرش اجباری صلح با معاویه. بنابر این ابتدای خطبه حضرت، به ستایش خداوند اختصاص یافته، زیرا تنها او سزاوار ثنا است. در ادامه با ذکر شایستگی‌های حضرت علی(ع) فضای مخربی را که معاویه از امام علی(ع) ایجاد کرده، شکسته می‌شود. حسن ختام نیز ذکر شایسته‌ترینها برای خلافت است. همانطور که ملاحظه می‌شود ابتدا و انتهای خطبه تناسب و انسجامی تام دارند. (نکونام، ۷۸)

حمد و سپاس طولانی و بدیع، بر مهارت بالای امام در فن سخنوری صحه می‌گذارد. امام(ع) در این تحمیدیه، عالیترین مضامین توحیدی را بیان نموده است. در این بخش حرف الف ۲۵ مرتبه تکرار شده است که نسبت به سایر حروف از بسامد بالایی برخوردار است. «از جمله خصوصیات حرف «الف» این است که دارای کشش زمانی یا مکانی است.» (حسن عباس، ۹۷) شاید کاربرد زیاد این حرف در خطبه نشان دهنده این باشد که صفات الهی که در این بخش قرار دارد، در طول زمان استمرار دارد و همیشگی است. (نکونام، ۸۶) براعت زبانی عالی، استدلالهای عقلانی و منطقی الهام گرفته شده از قرآن و سنت، کثرت تصاویر ادبی همه نشان از تسلط اندیشگانی و عاطفه قوی و صادق امام دارد. شروع خطبه با حمد الهی در حقیقت به موضوع اصلی خطبه که بیان شایستگی اهل بیت(ع) در به دست گرفتن خلافت است اشاره می‌کند. حضرت از حمد خداوند متعال شروع کرده و رسالت پیامبر از سوی خدا را یادآور می‌شوند. پیامبری که از میان مردم انتخاب شده و بر همه عالمیان برتری دارد و به واسطه او جبهه حق از باطل جدا می‌شود. سپس در انتهای خطبه، با اشاره به مقام بی‌همتای اهل بیت(ع) می‌فرماید: انا اهل بیت اکرمنا الله بالاسلام و اختارنا و اصطفانا و اجتباننا، فاذهب عنا الرجس و طهرنا تطهیرا.

و می‌گوییم: ای بندگان خدا بشنوید، و شما قلب‌ها و گوش‌هایی دارید پس بیندیشید، ما خاندانی هستیم که خداوند ما را به اسلام، گرامی داشت و ما را برگزید و انتخاب کرد، و از ما پلیدی را برطرف کرد و پاک و پاکیزه نمود....

ما را پاک گرداند، در حالی که از حضرت آدم تا ما مخلصانه برای او بوده‌ایم، در حالی که آن نعمتی از جانب اوست، در هر دو گروهی که در میان مردم وجود پیدا می‌کند، خداوند ما را در بهترین آن‌ها قرار داده است.

انواع سجع در افتتاحیه خطبه، باعث ایجاد موسیقی و جلب توجه مخاطب و تشویق جهت ادامه گوش دادن شده است. به عنوان مثال بین (المستحمد بالآلاء، وتتابع النعماء، و صارف الشدائد و البلاء) سجع مطرف وجود دارد. در این سجع، قافیه‌ها یکی است اما فاصله‌ها در وزن اختلاف دارند (هاشمی، ۴۲۲) طباق نیز بین (الفهماء و غیر الفهماء)، و اشباع ضمیر(هاء) در (عباده، امتناعه، جلاله، کبریائه، بقائه) در ایجاد آهنگ، نقش وافر دارد. معاویه در پایان می‌گوید: به خدا قسم حسن با این خطبه خود، زمین را بر من تیره و تار کرد. در آنجا خواستم که برخورد کنم اما دانستم که ساکت ماندن بیشتر مرا در امان نگاه می‌دارد». (بحرانی، ۸۳۲/۲)

لازم به ذکر است در پایان خطبه معاویه بلافاصله مجلس را ترک نمود که این امر بر عجز او و فصاحت بالای سخن از طرف دیگر دلالت دارد.

۲-۴. افتتاح به تأکید

برخی از خطبه‌ها با تأکید شروع شده که خود انواعی دارد از جمله:

۲-۴-۱. لام و قد تحقیق

مخنف (به سندش) از ابی اسحق سبیبی و دیگران روایت کرده که گفتند: امام‌حسن(ع) در بامداد آن شبی که امیرالمؤمنین(ع) در آن شب از دنیا رفت خطبه خواند، و حمد و ثنای خدای را به جای آورد و بر رسول خدا(ص) درود فرستاد، آنگاه فرمود:

لقد قبض فی هذه الليلة رجل لم یسبقه الأولون و لا یدرکه الآخرون و قد کان رسول الله(ص) یعطیه رایته و یقاتل جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله فما یرجع حتی یفتح

الله علیه و ما ترک علی ظهر الأرض صفراء و لا بیضاء إلا سبعمائة درهم فضلت من عطائه
أراد أن یبتاع بها خادما لأهله. (شیخ مفید، ۴/۲)

ترجمه - به حقیقت در این شب مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او پیشی
نجستند، و آیندگان نیز در کردار به او نرسند، همانا با رسول خدا(ص) جهاد کرد و با جان
خویش از آن حضرت دفاع نمود، و رسول خدا(ص) او را با پرچم خود (به جنگها) فرستاد
و (جبرئیل و میکائیل) او را در میان می‌گرفتند، جبرئیل از سمت راستش، و میکائیل از
سمت چپ او، و باز نمی‌گشت تا به دست توانای او خداوند(جنگ را) فتح کند و ...

امام حسن(ع)، سخن خود را با تحمیدی باری تعالی شروع کرده و به رحلت پدر
بزرگوارشان از زاویه الهی می‌نگرند؛ نگاه امامی به امام دیگر. کسی که در گذشته مانند
نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. کسی که پرچمدار فرستاده خدا بوده و به هنگام نبرد
فرشتگان مقرب الهی او را همراهی می‌کرده‌اند.

امام با چنین وصف ربانی مردم را غرق در بهت و ندامت ساخت. زیرا این سخن در
دوره‌ای گفته شد که قبلا معاویه در تمام منابر به سب و لعن امیرالمؤمنین علی(ع) فرمان
داده بود. سپس مقدس بودن شب رحلت را در فراز دیگر یادآور می‌شود:

و لقد توفی(ع) فی اللیلة التي عرج فیها بعیسی بن مریم، و فیها قبض یوشع بن نون
وصی موسی(ع) و ما خلف صفراء و لا بیضاء الا سبعمائة درهم، فضلت عن عطائه اراد ان
یبتاع بها خادما لاهله. ثم خنقته العبرة فبکی و بکی الناس معه.

ترجمه - و در همان شبی از دنیا رفت که عیسی بن مریم در آن شب به آسمان بالا رفت، و
یوشع بن نون وصی حضرت موسی(ع) در آن شب از دنیا رفت، در حالی که هیچ درهم و
دیناری از خود به جای نگذاشته جز هفتصد درهم که آن هم از بهره‌اش (که بیت‌المال داشت)
زیاد آمده، و می‌خواست با آن پول برای خانواده خود خادمی خریداری کند. سپس بغض
گلویش را گرفت و گریست، مردم نیز با آن حضرت گریه سر دادند. (همانجا)

خطبه با حرف «لام و قد تحقیقیه» و فعل ماضی شروع شده است. لام ابتدا و حرف قد

قبل از فعل ماضی دلالت بر تأکید دارد. (عبدالغنی، ۴۰۴-۴۰۵) و در جملات بعدی لام و حرف قد تکرار می‌شود. آغاز خطبه با جمله فعلیه است. به اعتقاد برخی علمای بلاغت، جمله اسمیه دلالت بر ثبوت و جمله فعلیه دلالت بر حدوث یا تجدد دارد. اما به نظر می‌رسد که ذات اسم بر ثبوت و استقرار، و فعل بر حدوث و تجدد دلالت دارد. (السامرائی: ۱۶۱) این تأکید بر اهمیت شب رحلت حضرت علی (ع) دلالت دارد که مصادف با پیوستن روح پیامبرانی دیگر به خدا در زمانهای قدیم است. عنصر عاطفه در عدم استمرار کلام به سبب بغض و اندوه امام خود را نشان می‌دهد.

ع-۲-۲. اِنَّ وَاَنَّ

امام حسن مجتبی (ع) در محضر پدر و به امر ایشان خطبه‌ای ایراد کردند که در آن پس از حمد و ثنای الهی چنین فرمود:

أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ الْقُبُورَ مَحَلُّنَا، وَالْقِيَامَ مَوْعِدُنَا، وَاللَّهَ عَارِضُنَا. إِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مِّنْ دَخَلِهِ كَانَ آمِنًا مُّؤْمِنًا، وَمَنْ خَرَجَ عَنْهُ كَانَ كَافِرًا. فَقَامَ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فَالْتَزَمَهُ، وَقَالَ: "بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي (ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)". (الحلوانی، ۷۳)

ترجمه - اما بعد، همانا قبور محل نزول ماست، و روز قیامت وعده‌گاه ماست، و خداوند دادخواه ماست، علی دری است که هر که بدان درآید درآمان و با ایمان ماند و هر که از آن خارج گردد کافر شود.

در این خطبه پس از عبارت «اما بعد»، بلافاصله اسلوب تأکید به حرف «اِنَّ» به کار رفته است. این حرف جزو حروف معانی است با این توضیح که به هنگام کاربرد در جمله معنایشان ظاهر می‌گردد (عکاشه، ۱۰۵).

حروف معانی در زبان عربی ۳۱ نوع است که از میان آنها «اِنَّ» نمود بیشتری در خطبه‌های نهج البلاغه دارد. این حرف، معانی مختلفی نظیر تأکید، ربط و تعلیل دارد. (السامرائی، ۲۶۴/۱)

جرجانی معتقد است اصل در این تأکید است و متکلم زمانی آن را در کلام بکار می‌برد که احساس کند شنونده چیزی برخلاف سخن او گمان کرده و در نتیجه برای اثبات کلام خود از آن استفاده می‌کند (جرجانی، ۳۲۸). گفته شده که این تأکید بیشتری از لام دارد و لفظ آن و ثقیل بودنش گواه بر این نکته است. (جیگاره، ۱۴۱) همچنین از جمله فواید تأکید با این را عدم تکرار جمله و جلوگیری از غفلت مخاطب ذکر کرده‌اند. (السامرای، ۲۶۴/۱).

سپس امام به معاد و رستاخیز اشاره کرده و شرط سلامت گذر کردن از منزل آخرت را اطاعت از حضرت علی (ع) بیان می‌کند. تقابل در آخرین جملات (دخل / مؤمنا و خرج / کافرا) مرز رستگاری و انحطاط را که در پذیرش ولایت حضرت علی (ع) خلاصه شده، برجسته می‌سازد. خطبه با اقتباس از آیه ۳۴ سوره آل عمران خاتمه می‌یابد.

در خطبه‌ای دیگر به نقل از شعبی چنین روایت شده است: روزی معاویه وارد مدینه شده و به قصد ایراد خطبه برخاسته و بر علی بن ابی طالب تاخت. در این لحظه امام به قصد سخنرانی قیام نمود و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يُعَثِّ نَبِيٌّ إِلَّا جُعِلَ لَهُ وَصِيٌّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ - وَلَمْ يَكُنْ نَبِيٌّ إِلَّا وَلَهُ عَدُوٌّ مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَإِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَا إِبْنُ عَلِيٍّ وَأَنْتَ إِبْنُ صَخْرٍ وَجَدُّكَ حَرْبٌ وَجَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأُمُّكَ هِنْدٌ وَأُمِّي فَاطِمَةٌ وَجَدَّتِي خَدِيجَةُ وَجَدَّتُكَ نَثِيلَةٌ فَلَعْنُ اللَّهُ الْأُمَّنَا حَسَبًا وَأَقْدَمَنَا كُفْرًا وَأَخْمَلْنَا ذِكْرًا وَأَشَدَّنَا نِفَاقًا فَقَالَ عَامَّةُ أَهْلِ الْمَجْلِسِ آمِينَ فَتَزَلَّ مُعَاوِيَةُ فَقَطَعَ خُطْبَتَهُ. (الطبرسی، ۲۸۲/۱)

ترجمه - هیچ پیامبری مبعوث نشده جز آنکه وصی و جانشینی از اهل او مقرر گردیده، و هیچ پیامبری نیست جز اینکه او را دشمنی از میان مجرمان است، و بی‌شک علی بن ابی طالب وصی رسول خدا (ص) پس از اوست، و من پسر علی، و تو (ای معاویه) فرزند صخری، و جد تو حرب است، و جد من رسول خدا است، و مادر تو هند و مادر من فاطمه است، و مادر بزرگ من خدیجه است و مادر بزرگ تو نثیله، پس خداوند بدترین ما را از نظر حسب؛ و قدیمترین ما را از نظر کفر، و بد سابقه‌ترین ما و منافقترین ما را لعن کند!

پس تمامی حضار یکپارچه گفتند: آمین! پس معاویه با دیدن این صحنه خطبه‌اش را قطع کرده و از منبر پائین آمد.

هنگامی که معاویه، حضرت علی(ع) را لعن نمود، امام حسن(ع) برآشفته اما سخنی جز به ادب و نزاکت بر زبان نراند. از آنجا که مخاطبین افرادی گمراه بودند امام سخن خود را با اسلوب خبر انکاری آغاز نمود. در این اسلوب چندین تأکید ملاحظه می‌شود که نشان دهنده انکار خبر از سوی شنوندگان است. این اسلوبها عبارتند از: جمله اسمیه، کاربرد حرف این که برای تأکید خبر بکار رفته (وصی رسول، همان امام همام علی بن ابی طالب است که معاویه در منابر امر به سب او کرده) و تکرار آن، حصر به آلا و تکرار آن، و تقدیم جار و مجرور در (له عدو). سپس امام از آرایه تقابل استفاده می‌کند. امام به جهت نسبی، اجتماعی، ایمانی، بین خود و معاویه مقایسه نمود. در جملات بعدی اسلوب خبری ابتدایی، بکار رفته، اسلوبی که خالی از تأکید است. زیرا حقایقی مطرح شده که هرگز احدی در صحت آن شک نمی‌کند (أنا ابن علی...) در نتیجه این مقایسه، برگشت لعن به کسی شد که سزاوارترین شخص برای لعن و نفرین است، بدون اینکه امام(ع) حتی یک کلمه درشتی نماید. از نظر نسبی جد امام حسن(ع) به پیامبر(ص) می‌رسد، مادرش حضرت زهرا(س) دختر رسول خدا(ص) است و جد مادریش حضرت خدیجه(س)، نخستین بانویی است که اسلام آورد. در حالی که جد پدری معاویه، بر شرک مرد و مادرش، هند همسر ابوسفیان بود که مانند مادر شوهرش در دوره پیش از اسلام جزو زنان اهل پرچم (فاجره) بشمار میرفت. (هشام بن کلبی، ۷۳) و کانت هند من المغتلمات و کان أحب الرجال إليها السودان فکانت إذا ولدت أسود قتلته) و بعد از فتح مکه مسلمان شد.

این مقایسه نه از روی تفاخر بلکه برای تکذیب ادعای معاویه و با ادله متقن و به قصد پرده برداشتن از تصویر دروغینی که معاویه ساخته بود انجام پذیرفت.

– امام در بخش اول از طریق صنعت تقابل حقیقتی را اظهار کردند که معاویه با بدگویی از امام علی(ع) سعی در تحریف آن داشت اینکه هیچ پیامبری مبعوث نشده جز آنکه وصی

و جانشینی از اهل او مقرر گردیده است. این وصی و جانشین از نظر صلاحیت، حسن خلق، تقوا و مواظبت بر پرهیزگاری به سیره پیامبر عمل می‌کند، و هیچ پیامبری نیست جز اینکه او را دشمنی از میان مجرمان است، و علی بن ابی طالب را به عنوان وصی رسول خدا(ص) پس از پیامبر معرفی می‌کند، زیرا با این ویژگیها دشمنانش پیش از دوستانش آشنا شدند. احادیثی که در صحت و تواتر به وصایت خویش تصریح کرده‌اند. مانند حدیثی که پیامبر(ص) در غزوه تبوک فرمود: «ولاسیما حدیث المنزلة حین قال فی غزوة تبوک: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی» (حسینی المیلانی، ۱۸/۳۶۳-۴۱۱) و در غدیرخم، و در مقابل برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان است در این عبارت امام حسن(ع) آمده: «وإن علیاً علیه السلام کان وصی رسول الله صلی الله علیه وآله من بعده» تا بدگویی از پدرش را با یادآوری حدیث منزلت و غدیرخم خنثی سازد. و به طرف دیگر - معاویه - که از وصی بدگویی می‌کند و دشمن پیامبر(ص) است اشاره نماید. واضح است که اثرگذاری تلمیح از تصریح بیشتر بوده و شیوه سبط پیامبر(ص) حتی در مورد دشمن - برخلاف معاویه که بسیار لعن‌کننده بود - ناسزا و نفرین یا ذکر صریح خصومت نیست و مؤمن از این خصلت مبراست. لذا از پاک طینت جز خیر و از بد سرشت جز شر انتظار نمی‌رود. در خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه چنین آمده است: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لَعَانِينَ شَتَامِينَ» (دشتی، ۳/۱۸۱).

از آنجا که صنعت مقابله، یکی از سبکهای محکم برای استدلال و اقناع مخاطب به شمار می‌رود امام صفات متضاد دو طرف را برای مردم اظهار نمود تا مردم با موازنه، به آسانی تصویر درستی از دو طرف ترسیم نمایند. امام در معرفی خود و معاویه تنها به ذکر اسم و نه چیز بیشتر، اکتفا نمود: «أنا ابن علی، و أنت ابن صخر» قضاوت را به اذهان مردم سپرد تا تنها شنونده نباشند و با یادآوری رویدادهای گذشته، خیر و شر را تشخیص دهند. و با عبارتهای: «فَلَعَنَ اللَّهُ الْأَمَنَّا حَسْبًا وَ أَقْدَمَنَا كُفْرًا وَ أَخْمَلْنَا ذِكْرًا وَ أَشَدَّنَّا نِفَاقًا»، این کاربرد هوشمندانه آرایه تقابل باعث شد امام بدون اینکه شخص سزاوار لعن را تعیین

فرماید، مستمعینی را که غالباً از طرفداران معاویه بودند به آمین گفتن واداشتند، و معاویه که روند ادامه خطبه را به صلاح نمی‌دید با پایین آمدن از منبر خطبه را رها کرد. در خطبه‌ای دیگر که برای تشویق مردم به جهاد ایراد فرمود باز هم حضرت مطلع آن را با حرف تأکید «إِنَّ» چنین شروع کردند:

أما بعد: فَإِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْجِهَادَ عَلَىٰ خَلْقِهِ، وَسَمَاهُ كَرْهًا. ثُمَّ قَالَ لِأَهْلِ الْجِهَادِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» فَلَسْتُمْ أَيُّهَا النَّاسُ نَائِلِينَ مَا تَحْبُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَىٰ مَا تَكْرَهُونَ. بَلْغَنِي أَنْ مَعَاوِيَةَ بَلَّغَهُ أَنَا كُنَّا أَزْمَعْنَا عَلَى الْمَسِيرِ إِلَيْهِ، فَتَحْرَكَ لِذَلِكَ، أَخْرَجُوا رَحْمَكُمُ اللَّهُ إِلَىٰ مَعْسَكِكُمْ بِالتَّخَيُّلَةِ، حَتَّىٰ نَنْظُرَ وَتَنْظُرُوا، وَنَرَىٰ وَتَرَوْا - «وإنه في كلامه ليتخوف خذلان الناس له». (اصفهانی، ۳۵)

ترجمه - سپس سکوت حکم فرما شد و پس از مدتی عدی بن حاتم در تأیید کلام امام، خطبه‌ای دیگر خواند.

این خطبه نیز با عبارت (اما بعد) شروع شده و استهلال آن با بینامتنیت قرآنی آیه ۲۱۶ سوره بقره انجام می‌پذیرد: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ»، سپس با اقتباس از آیه ۴۶ سوره انفال ادامه می‌یابد: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». از آنجا که هیچ استدلالی محکم‌تر از استدلال به آیات قرآنی نیست لذا امام در ابتدای سخنان خود به کلام وحی تکیه کرده‌اند که قوی‌ترین استهلال است. سپس با مردم به اسلوب ندای عام «أَيُّهَا النَّاسُ» سخن می‌گوید: ای مردم به آنچه دوست دارید نمی‌رسید مگر اینکه بر آنچه دوست ندارید صبر کنید. طباق در (تجبون / تکرهون)، معنا را متمایز کرده و با اسلوب حصر آن را مورد تأکید قرار داده است. در فرازهای بعدی استفاده از آرایه تکرار از طریق مشتقات در کلمات (ننظر و تنظروا، و نری و تروا) ایجاد آهنگ کرده است. به این ترتیب بینامتنیت، اقتباس و آهنگ در مطلع خطبه، باعث جلب توجه مخاطب و ایجاد انگیزه برای شنیدن ادامه کلام شده و براعت استهلال محقق شده است.

۴-۳. افتتاح به ندا

امام حسن (ع) در خطبه‌ای که پس از شهادت پدر ایراد فرمودند با منادا قرار دادن مردم به معرفی خود می‌پرداخت:

أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مِنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَنَا ابْنُ الْوَصِيِّ وَ أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ وَ أَنَا ابْنُ النَّذِيرِ وَ أَنَا ابْنُ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَ أَنَا ابْنُ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِي كَانَ جِبْرَائِيلُ يَنْزِلُ فِيهِ وَ يَصْعَدُ مِنْ عِنْدِنَا وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فَقَالَ لِنَبِيِّهِ «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (الشورى، ۲۳) فاقتراف الحسنه محبتنا أهل البيت. (صفوت، ۱/۲)

اسلوب ندا یکی از شیوه‌های مؤثر استهلال است که متکلم آن را برمی‌گزیند و از طریق آن با مخاطب ارتباط برقرار کرده و توجه او را در کمترین زمان ممکن به خود جلب می‌کند. این اسلوب ابعاد روحی روانی و زیبایی خاص خود را دارد و شاعران و خطیبان عرب برای تأثیرگذاری بیشتر در ابتدای کلام و یا مطلع قصاید خود از آن بهره گرفته‌اند. صیغه ندا که برای درخواست توجه منادا است، گاه در غیر این درخواست بکار می‌رود، مانند جائی که برای برانگیختن، اختصاص، استغاثه، تعجب و یا ابراز غم و اندوه باشد. این اسلوب را می‌توان به ندای عام و خاص تقسیم کرد. امام حسن (ع) در این خطبه با مخاطب قرار دادن جمعیت: «أَيُّهَا النَّاسُ» ندای عام بکار برده‌اند که دلالت بر عموم مردم دارد. این ندا با اسلوب شرط همراه شده است.

در خطبه‌ای دیگر نیز، پس از حمد و ثنای الهی امام (ع) با خطاب عام «أَيُّهَا النَّاسُ» کلام خود را شروع کرده و با حرف تأکید *إِنَّ* ادامه داده‌اند. پس از عقد صلح نامه، معاویه از حضرت خواست که در حضور مردم به این سخن اقرار کرده و امر را تسلیم معاویه کند. امام حسن (ع) نیز چنین فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَكْبَسَ الْكَيْسِ التَّقَى وَ أَحْمَقَ الْحُمُقِ الْفُجُورُ وَ إِنَّكُمْ لَوْ طَلَبْتُمْ مَا

بَيْنَ جَابِلَقَ وَ جَابِرَسَ رَجُلًا جَدُّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ مَا وَجَدْتُمُوهُ غَيْرِي وَ غَيْرَ أَخِي الْحُسَيْنِ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ هَدَاكُمْ بِجَدِّي مُحَمَّدٍ فَأَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ رَفَعَكُمْ بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ أَعَزَّكُمْ بِهِ بَعْدَ الذَّلَّةِ وَ كَثَّرَكُمْ بِهِ بَعْدَ الْقِلَّةِ إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَارَعَنِي حَقًّا هُوَ لِي دُونَهُ فَظَنَرْتُ لِصَلَاحِ الْأُمَّةِ وَ قَطَعَ الْفِتْنَةَ وَ قَدْ كُنْتُمْ بَايِعْتُمُونِي عَلَى أَنْ تَسَالِمُونَ [تَسَالِمُوا] مَنْ سَأَلْتُمْ وَ تَحَارِبُونَ [تَحَارِبُوا] مَنْ حَارَبْتُمْ فَرَأَيْتُمْ أَنْ أَسَالِمَ مُعَاوِيَةَ وَ أَضَعَ الْحَرْبَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ قَدْ بَايَعْتُهُ وَ رَأَيْتُمْ [أَنْ] حَقَّنَ الدَّمَاءَ خَيْرٌ مِنْ سَفَكِهَا وَ لَمْ أُرِدْ بِذَلِكَ إِلَّا صَلَاحَكُمْ وَ بَقَاءَكُمْ وَ إِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ. (الإربلي، ۱۹۳/۲-۱۹۴)

حضرت در این فراز به برتری امام علی(ع) از طریق بیان شخصیت و مکارم اخلاقی او اشاره کرده و سپس به اثبات حق علوی در خلافت که خدا و رسولش بدان تأکید فرموده‌اند، رسیده است. منصب خلافت بعد از نبی(ص) از سوی خدا تعیین شده و به کسی که میرا از هر گونه پلیدی و گمراهی است عطا می‌گردد. براعت استهلال این خطبه در اشاره عام به اصل مطلب نهفته است.

در این خطبه پس از اسلوب خطاب عام، حرف تأکید با اسم تفضیل به کار رفته است. در کاربرد عبارت ترکیبی حرف تأکید و اسم تفضیل باید به دلالت آن توجه داشت زیرا به این ترتیب شنونده برای فهمیدن خبر مبتدا (أکیس الکیس... و أحمق الحمق...) مشتاق‌تر گردد. در ترکیب حرف تأکید و ضمیر مخاطب یعنی (إنکم)، شنونده از همان ابتدا با گفتمانی انحصاری مواجه می‌شود. «لو» که حرف امتناع جواب برای امتناع شرط است، اسلوب شرطی غیرمستقیم ایجاد می‌کند. در جمله: «وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ هَدَاكُمْ بِجَدِّي مُحَمَّدٍ فَأَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ»، قد و حرف تأکید «إِنَّ» نشان می‌دهد مراد از اسلوب خبر، آگاه کردن مردم نیست بلکه خبر انکاری است. هنگامی که مخاطب خبر را نمی‌پذیرد و انکار می‌کند خبر را با تأکید بیشتری ذکر می‌کنیم. (السکاکی، ۲۵۸-۲۵۹) یعنی مخاطبین منکر قضیه هدایتشان به دست پیامبر(ص) و نجاتشان از گمراهی بودند.

براعت استهلال این خطبه با کنایه‌ای به معاویه و امثال وی که اهل فسق و فسادند

شروع می‌شود، و بلافاصله به طور ضمنی و غیرمستقیم به ویژگی‌های شایسته‌ترین فرد برای خلافت اشاره می‌گردد که کسی جز حسنین(ع) نیست. جمله «إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَازَعَنِي حَقًّا هُوَ لِي دُونَهُ» به بیان حق مسلم امام در خلافت و سازش اجباری آن حضرت تصریح دارد. نکته ظریف این است که امام حسن(ع) در باب معرفی خود به نسبتشان از ناحیه پیامبر(ص) اشاره می‌کنند نه از ناحیه امام علی(ع).

از سوی دیگر کاربرد ثنائیات مانند (أَكْبَسُ / أَحْمَقُ، الضَّلَالَةُ / الْجَهَالَةُ، أَعَزُّكُمْ / الدَّلَّةُ، سَأَلْتُ / حَارَبْتُ، كَثَرْتُكُمْ / أَلْقَلَّةُ، حَقَّنَ الدِّمَاءَ / سَفَكَ الدِّمَاءَ) به برجستگی معنا کمک شایانی کرده است. آرایه سجع در ابتدای کلام در جملات (إِنَّ أَكْبَسَ الْكَيْسِ التَّقَى وَ أَحْمَقَ الْحُمُقِ الْفُجُورُ) و در ادامه در جملات (فَأَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ رَفَعَكُمْ بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ / وَ أَعَزَّكُمْ بِهِ بَعْدَ الدَّلَّةِ وَ كَثَرْتُكُمْ بِهِ بَعْدَ الْقِلَّةِ) ملاحظه می‌شود. پیداست که این صنعت بدیعی با آهنگین ساختن لحن، در جلب توجه مخاطب و تأثیرگذاری نقش وافر دارد.

همچنین در این خطبه، بینامتنیت قرآنی در خاتمه ملاحظه می‌شود که برگرفته از آیه ۱۱۱ سوره انبیاء است: «وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» این حسن ختام، به مردم خاطر نشان می‌کند که جنگ یا صلح، آزمایشی الهی است.

حضرت، با این مقدمه تحمیدیه، به برتری امام علی(ع) از طریق بیان شخصیت و مکارم اخلاقی او اشاره کرده و سپس به اثبات حق علوی در خلافت که خدا و رسولش بدان تأکید کرده‌اند، رسیده است. منصب خلافت بعد از نبی(ص) از سوی خدا تعیین شده و به کسی که میرا از هر گونه پلیدی و گمراهی است عطا می‌گردد. براعت استهلال این خطبه در اشاره عام به اصل مطلب نهفته است.

۴-۴. افتتاح به شرط

برخی از خطب با شرط آغاز شده‌اند. به عنوان نمونه، در روایتی چنین آمده که امیرمؤمنان علی(ع) خطاب به فرزندش - امام حسن(ع) - فرمود: برخیز و خطبه ای بخوان

تا سخنت را بشنوم. امام (ع) بیا خاست و چنین سخن آغاز کرد: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَكَلَّمَ سَمِعَ كَلَامَهُ، وَمَنْ سَكَتَ عَلِمَ مَا فِي صَمِيرِهِ، وَمَنْ عَاشَ فَعَلَيْهِ رِزْقُهُ، وَمَنْ مَاتَ فَاِلَيْهِ مَعَادُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ. (الحلوانی، ۷۳)

براعت استهلال این فراز را می‌توان در تکرار حرف شرط «من» دانست.

در آستانه جنگ جمل نیز، امام حسن (ع) در مسجد کوفه، برای آماده کردن مردم، خطبه کاملی را با ذکر ستایش پروردگار، چنین ایراد فرمودند: «الحمد لله العزيز الجبار الواحد القهار الكبير المتعال... أحمده على حسن البلاء وتظاهر النعماء و على ما أحببنا وكرهنا من شدة ورخاء...» سپس با استفاده از اسلوب شرط خطبه خود را چنین آغاز نمودند:

مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا الْحَسَنُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ أَنَا ابْنُ الْمُصْطَفَى بِالرَّسَالَةِ أَنَا ابْنُ مَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ أَنَا ابْنُ مَنْ شَرَفَتْ بِهِ الْأُمَّةُ أَنَا ابْنُ مَنْ كَانَ جِبْرِيلُ السَّفِيرَ مِنَ اللَّهِ إِلَيْهِ أَنَا ابْنُ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. فَقَالَ أَنَا ابْنُ الْمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ أَنَا ابْنُ مَنْ كَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى أَنَا ابْنُ الشَّفِيعِ الْمُطَاعِ أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِي أَنَا ابْنُ مَنْ خَضَعَتْ لَهُ قُرَيْشٌ رَغْمًا أَنَا ابْنُ مَنْ سَعِدَ تَابِعُهُ وَشَقِيَ خَاذِلُهُ أَنَا ابْنُ مَنْ جُعِلَتِ الْأَرْضُ لَهُ طَهُورًا وَ مَسْجِدًا أَنَا ابْنُ مَنْ كَانَتْ أَخْبَارُ السَّمَاءِ إِلَيْهِ تَتْرَى أَنَا ابْنُ مَنْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. (الطبرسی، ۳۶۸-۳۶۹)

ترجمه - سخنرانی امام حسن (ع) پس از صلح - (آن هنگام که معاویه به ایشان گفت: برتری ما را یاد کن) امام حسن (ع) پس از حمد و سپاس خدا و فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد، فرمود: هر که مرا می‌شناسد، می‌شناسد و هر که مرا نمی‌شناسد، بداند من حسن فرزند پیامبر خدا، فرزند پیامبر بشارتگر و هشدار دهنده، فرزند برگزیده به رسالت هستم. منم فرزند آن کس که فرشتگان بر او صلوات می‌فرستند، منم فرزند آن کس که امت در سایه او شرافت یافتند، منم فرزند آن کس که جبرئیل از جانب خدا برای او سفیر بود، منم فرزند آن کس که به رحمت بر جهانیان مبعوث شد کسی که درود خدا بر او و همه آتش باد.

سپس بر سر سخن خود رفت و فرمود: منم فرزند آن کس که دعایش مستجاب می‌شد، منم

فرزند آن کس که مقام قرب او به پروردگارش به قدر طول دو انتهای کمان یا نزدیکتر از آن بود، منم فرزند آن شفاعتگری که شفاعتش پذیرفته شده است، منم فرزند مکه و منا، منم فرزند آن کس که قریش مجبور به تسلیم در برابر او شد، منم فرزند آن کس که پیرو او خوشبخت شود و رهاکننده اش بدبخت گردد، منم فرزند آن کس که زمین برای او پاک کننده و سجده گاه قرار داده شده، منم فرزند آن کس که اخبار آسمانی پیوسته برایش می‌رسید. منم فرزند آنان که خداوند، پلیدی را از ایشان دور ساخت و خوب پاکیزه و پاکشان نمود.

کاربرد اسلوب شرط در جلب توجه مخاطب بسیار مؤثر است زیرا مخاطب برای رسیدن به نتیجه ملزم به گوش دادن می‌شود. به خصوص در این فراز که جواب شرط به شیوه توضیحی و تفصیلی و با تکرار حرف عطف ذکر شده است: «مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ...».

تکرار ضمیر (أنا ابنُ) ۱۶ بار، پس از تکرار کلمه (عَرَفَنِي) ۳ بار، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. عبارت «أنا ابنُ» حکایت از قرابت و الفت میان پدر و پسر دارد. (عسکری: ۲۸۱-۲۸۲) امام در این خطبه تنها واژه «ابن» را به کار برده‌اند و در هیچ یک از مترادف ابن یعنی «ولد» استفاده نکرده‌اند. تکرار حاصله، علاوه بر تأکید مضمون به موسیقی متن نیز کمک کرده است. (نکونام، ۸۸)

جملات مطلع، همه اسمیه‌اند، لذا دلالت بر ثبوت دارند و از طرف دیگر جمله اسمیه، نشان دهنده تأکید کلامی گوینده است. امام حسن (ع) استهلال خطبه را به معرفی خود اختصاص داده و در آن نسبت خود با پیامبر(ص) را یادآور می‌شوند. همچنین در این انتساب، چندین بار از بینامتنیت قرآنی استفاده کرده‌اند. جمله: «أَنَا ابْنُ مَنْ كَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أذُنِي» بینامتنیت با آیه ۹ سوره نجم دارد: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أذُنِي». جمله: «صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ» بینامتنیت با آیه ۵۶ سوره احزاب دارد: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». جمله: «أَنَا ابْنُ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» بینامتنیت با آیه ۱۰۷ سوره انبیاء دارد: «أَنَا ابْنُ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».

آخرین جمله در این فراز نیز بینامتنیت قرآنی با آیه ۳۳ سوره احزاب دارد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» امام با این آیه به سخنان خود خاتمه داده‌اند تا به مردم اظهار نمایند که از اهل بیت پیامبر بوده و آنان در حقیقت اجحاف کرده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود در آغاز خطبه اسلوب شرط بکار رفته است. به خصوص در این فراز که جواب شرط به شیوه توضیحی و تفصیلی و با تکرار حرف عطف ذکر شده است: «مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ...». البته آرایه تکرار نیز قابل تأمل است. این صنعت ادبی که یکی از پرکاربردترین اسلوبهای بیانی کلام شمرده می‌شود، علاوه بر انتقال مفاهیم و مضامین مورد نظر به مخاطب در ارتقای زیبایی و کیفیت متن نیز نقش برجسته‌ای از خود ایفا می‌کند. البته باید به این نکته توجه داشت که استفاده نابجا از آن مخلّ فصاحت و بلاغت بوده و از سوی برخی ناقدان نکوهیده شده است. این اسلوب که به اشکال مختلفی در متن نمود می‌یابد دلالت‌های معنایی متعددی مانند تأکید، بشارت، تهدید، عبرت، تفهیم مطلب و مانند آن ایجاد می‌کند (نک: ملازاده و رحمانیان، ۱۱-۱۳).

تکرار واژگان: «الله» ۲ بار، «عرفنی» ۳ بار، «ابن» ۶ بار، عبارت «أهل البيت» ۴ بار، ضمیر متکلم «أنا» ۸ بار، اسم استفهام «مَنْ» ۳ بار، حرف جرّ من ۴ بار. تکرار الله دلالت بر محوریت خداوند در ذهن امام دارد. علاوه بر اسلوب تکرار، آرایه‌های دیگر نظیر طباق سلب در «عرفنی / لم يعرفنی» و جناس محرّف در: «مَنْ / من»، نیز در ایجاد موسیقی کلام نقش دارند. از دیگر سواز آنجا که تأثیر آخرین کلام در ذهن مخاطب بیشتر است، حضرت برای حسن ختام خطبه، به آیه ۲۳ سوره شوری اقتباس فرموده تا بدین گونه بر حق خلافت علوی، و ادامه آن در اهل بیت (ع) به وضوح تصریح فرمایند.

۵. نتایج مقاله

۱- فصاحت و واژگان و بلاغت عبارتها، دقت در بکار بردن هر سبکی در جای خود طبق سیاق و متناسب با شرایط موجود جامعه و حال مخاطب، از مهمترین نکات برجسته

خطبه‌های امام حسن (ع) است.

۲- هر چند به وضوح پیداست که خطبه با اهداف سیاسی و تحلیل وضعیت نابسامان اجتماعی مردم ایراد شده، ولی مملو از مباحث توحیدی، صفات پروردگار و رضا به قضای او بوده و از طرفی جایگاه امامت و مقام اهل بیت (ع) را محور توحید معرفی فرموده است. گویی از نظر ایشان نه تنها توحید و امامت دو روی یک سکه‌اند بلکه خلافت و حکومت نیز حق انحصاری اهل بیت (ع) است.

۳- امام (ع) در خطابه‌های خود از شیوه‌های متنوع کلامی و ادله فراوان عقلی و نقلی با استفاده از قرآن و حدیث برای قانع نمودن مخاطبان بهره برده‌اند.

۴- خطب کوتاه نیز برخوردار از محتوای رفیع و مشحون از معارف توحیدی است. هر چند که مؤرخان علت ایجاز را قطع سخنرانی ایشان از طرف دشمنان که بیانگر خفقان سیاسی حاکم است، گزارش نموده‌اند، با این وجود مقصود متکلم که روشنگری بوده به دلیل احاطه کامل به فنون سخنوری، به نحو شایسته برآورده شده است.

۵- ساختار گسترده آغازین برخی از خطبه‌ها، ضمن سرشار بودن از معارف توحیدی و امامت به گونه‌ای ایراد شده است که بلافاصله مخاطب به تمام مقصود گوینده پی می‌برد و لذا می‌توان آن را بهترین مصداق براعت استهلال دانست.

۶- خطب حضرت علاوه بر آراسته بودن به زیور براعت استهلال، مزین به حسن ختام نیز بوده و این همان انسجام بافت کلام منطبق با عالیترین مهارت‌های سخنوری در زبان عرب است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. الإربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، بیروت، دار الأضواء، د.ت.
۳. الإصفهانی، أبوالفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۷۱م.
۴. ابن کلبی، هشام، مثالب العرب، تح: نجاح الطائی، بیروت، دار الهدی، ۱۹۹۸م.
۵. بستانی، محمود، اسلام و هنر، ترجمه: حسین صابری، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.
۶. الجرجانی، عبدالقاهر، دلائل الإعجاز، تح: محمود محمد شاکر، د.ت.
۷. جیگاره، مینا، تفاوت‌های معنایی در نحو کاربرد، چاپ اول، تهران، انتشارات نظری، ۱۳۹۵ش.
۸. حسینی میلانی، علی، نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار، ج ۱۸، قم، الحقایق، ۱۳۸۴ش.
۹. الحلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، الطبعة الأولى، قم، تح. ونشر مدرسة الإمام المهدي(ع)، ۱۴۰۸ق.
۱۰. خوانساری، محمد، منطق صوری، چاپ پانزدهم، بی.جا، انتشارات آگاه، ۱۳۷۲ش.
۱۱. السکاکی، یوسف بن أبی بکر، مفتاح العلوم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۰م.
۱۲. السامرائی، فاضل صالح. الجملة العربیة تألیفها وأقسامها، الطبعة الثالثة، عمان: دار الفكر، ۲۰۰۹م.
۱۳. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، تهران، پیام عدالت، ۱۳۹۰ش.
۱۴. صفوت، أحمد زکی، جمهرة خطب العرب فی عصور العربیة الظاهرة، الطبعة الأولى، الجزء الثاني، مصر، مطبعة مصطفى بابی الحلبي وأولاده، ۱۹۲۳م.
۱۵. الطبرسی، ابومنصور، الاحتجاج، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۶ق.
۱۶. طبائنة، بدوی، معجم البلاغة العربیة، الطبعة الثانية، المجلد الأول، الرياض، دار العلوم للطباعة و النشر، د.ت.
۱۷. عباس، حسن، خصائص الحروف و معانیها، منشورات اتحاد الكتاب العرب، ۱۹۹۸م.
۱۸. العسکری، ابوهلال، الصناعتین الكتابة والشعر، تح: البجاوی و ابراهیم، الطبعة الثالثة، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۹ق. <https://www.noorlib.ir>
۱۹. عکاشة، محمود. التحلیل اللغوی فی ضوء علم الدلالة، مصر: دار النشر للجامعات، ۲۰۰۵م.
۲۰. الفاخوری، حنّا، الموجز فی الأدب العربی وتاریخه؛ الأدب العربی القديم، الطبعة الثانية، بیروت، دار الجیل، ۱۹۹۱م.
۲۱. الموسوی، مصطفی، الروائع المختارة من خطب الإمام الحسن(ع)، تح: السيد مرتضى الرضوی، الطبعة الأولى، ۱۹۷۵م، <http://shiaonlinelibrary.com>
۲۲. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه استاد امیرخان بلوکی، نشر تهذیب، ۱۳۹۶ش.
۲۳. میرزا عبدالعظیم خان، البدیع، ۳۲، چاپ ۲، ۱۳۰۸ش، تهران، فردوسی.

براعت استهلال در خطبه‌های امام حسن مجتبی (ع) /// ۲۸۹

۲۴. نصیر الدین طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، اساس الإقتباس، تصحیح آقای مدرس رضوی، ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶ ش.
۲۵. هاشمی، أحمد، جواهر البلاغة، الطبعة العاشرة، مصر، مكتبة الاعتماد، ۱۳۷۳ ش.
۲۶. همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ ۱، تهران، اهورا، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. نکونام، ملیحه، سبک‌شناسی سه خطبه از خطبه‌های امام حسن مجتبی (ع)، کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهر (س)، ۱۳۹۵ ش.
۲۸. الخرافی، عبدالمحسن عبدالله، لطائف الأدب فی استهلال الخطب، الطبعة الأولى، کویت، مجلة الوعي الإسلامي، ۲۰۱۲ م.
۲۹. رحمانیان، فرزانه و ریحانه ملازاده، فنّ براعت استهلال در خطبه‌های نهج البلاغه، مشهد، فصلنامه تخصصی مطالعات ادبی متون اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۳۰. ملازاده، ریحانه و فرزانه رحمانیان، هنر سازه تکرار و دلالت‌های معنایی آن در حکمت‌های نهج البلاغه، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۵۱، ۱۳۹۵ ش.

